

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که در آخرین باری که امام حسین علیه السلام از میدان مراجعت نمود با بدنی چاک چاک و پر خون به بالین حضرت سجاد علیه السلام آمدند . . . آن دو بزرگوار دست به گردن یکدیگر انداختند و آن قدر گریستند که نزدیک بود مدهوش شوند . پس اسرار امامت را به او سپرد . . . و فرمود : يَا عَلِيُّ عَلِيكَ بِالصَّبْرِ وَ التَّقْوَى ، فرزندم علی بر تو باد به صبر و تقوی^۱ .

احوال زینب کبری علیها السلام

که چون از کثرت زخم و جراحت اندام سیدالشهداء علیه السلام سست شد و قوت کارزار از او برفت و مثل خارپشت بدنش پر از تیر شده بود در این وقت صالح بن وهب المزنی^۲ نیزه بر پهلو مبارک سیدالشهداء علیه السلام زد ، چنان که آن حضرت از اسب افتاد و روی مبارکش از طرف راست بر زمین آمد و سپس برخاست و ایستاد . در این هنگام عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام ز خیمه بیرون دوید و فریاد می زد : وا آخاه وا سیّدها وا أهل بیّتاه . ای کاش آسمان خراب می شد و بر زمین می افتاد و ای کاش کوهها از هم می پاشید و بر روی بیابانها می افتاد^۲ .

^۱ . برگرفته از سحاب رحمت ص ۵۸۰ و اشک حسینی سرمایه شیعه ص ۷۴ .

^۲ . لهوف ، مسلک ۲ ص ۱۷۵ . بحارالانوار ۴۵ ص ۵۴ .

عبور مصیبت‌زدگان از کنار قتلگاه

کجایان حسینی ، دشمن را سوگند دادند که آنان را از کنار قتلگاه عبور دهند ، وقتی که نگاه بانوان بر (بدن‌های پاره‌پاره و بی‌سر) شهیدان افتاد فریاد زدند و سیلی به صورت می‌زدند ، راوی گوید : به خدا سوگند زینب دختر علی علیها السلام را فراموش نمی‌کنم (که در کنار بدن‌های پاره‌پاره) ناله و گریه می‌کرد و با صدای جانسوز و دلی غمبار می‌گفت :

وَ مُحَمَّدَاهِ صَلَّى عَلَيْكَ مَلِيكَ السَّمَاءِ هَذَا حُسَيْنٌ مُرْمَلٌ بِالدِّمَاءِ مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ وَ بَنَاتُكَ سَبَايَا إِلَى اللَّهِ الْمُشْتَكِي وَ إِلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ إِلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ إِلَى حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ ۳ . . . ۴

این کشته فتاده به هامون حسین توست	وین صید دست و پازده در خون حسین توست
این نخلِ تر ، کز آتش جان سوز تشنگی	دود از زمین رسانده به گردون حسین توست
این ماهی فتاده به دریای خون که هست	زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست ^۵

آخوند ملا آقای دربندی رحمته الله

در اقامه مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام مواظب و متصلب و راسخ بود به نحوی که در

۳. فریاد ای محمد صلی الله علیه و آله درود مالک آسمان بر تو باد ، این حسین توست که درخون غوطه‌ور است ، اعضایش قطع شده است . و (این) دختران تو هستند که به اسارت گرفته شدند و به سوی خدا و محمد مصطفی و علی مرتضی و حمزه سیدالشهداء شکایت می‌کنم . . .

۴. بحارالانوار ج ۴۵ ص ۵۸ و ۵۹ .

۵. چراغ صاعقه ص ۵۲ .

بالای منبر از شدت گریه غش می کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک بر سر می ریخت و گل به بدن می مالید و به همان هیئت بر منبر می رفت ، مجملاً اخلاص او به ائمه اطهار علیهم السلام فوق اخلاص ابنای روزگار بود^۶.

دستمال سیاه

فقیه مقدّس ، میرزای تبریزی رحمته الله دستمال سیاهی داشتند که مخصوص گریه بر اهل بیت علیهم السلام بود ، ایشان مقید بودند که آن دستمال را در روضه ها با خود همراه داشته باشند ، همیشه می فرمودند : من این دستمال را برای قبرم می خواهم و وصیت کرده ام که آن را در قبر من جای دهند تا برای قبر و قیامت امانی باشد . ایشان گریه بر امام حسین علیه السلام را واجب می دانست و می فرمود : بهترین لحظه های حیات من همان زیارت عتبات مقدّسه و حضور در مجلس روضه می باشد ...^۷

آیت الله گلپایگانی

فرزندان و کسان خود را نیز وصیت می کنم . . . مخصوصاً إقامه عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام را به نحو سنتی از دست ندهند که بهترین وسایل نجات و تقرّب به خداوند متعال است^۸.

^۶ . قصص العلماء ، در حالات ملا آقای دربندی ص ۱۰۹ .

^۷ . برگرفته از کتاب سیره عالمانه استادالفقهاء و المجتهدین میرزا جواد تبریزی ص ۱۲۶ و ۱۳۱ و ۱۳۳ . و کتاب سیره الفقیه المقدّس

آیه الله المیرزا جواد التبریزی ص ۱۱۸ .

^۸ . متن وصیت نامه آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی بند پنجم .

آیت الله وحید خراسانی

دست‌های مرموزی در کار است که رابطه مستحکم این ملت را با ائمه هدی علیهم‌السلام که چراغ راه هدایت و کشتی نجات امتند، سست کنند.^۹

آیت الله فاضل لنکرانی

دشمن، امروز به خوبی دریافته است که برای تهی نمودن این ملت و سیطره بر امور آنان، باید آنچه را که تجلی اعتقادات و ایمان مردم است، خاموش و کم رنگ سازد، روزی با جهالت تام و تمام، گریه و عزاداری بر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام را امری لغو و مورد شبهه قرار داده و روزی در شهادت فاطمه زهرا علیها‌السلام تردید می‌کند، در حالی که این امر از واضحات تاریخ اسلام است.^{۱۰}

حزن و اندوه قلبی کافی نیست

س: امروزه گفتاری شایع شده که مفادش این است: بر سر و صورت و سینه زدن در سوگواری و عزاء معصومین علیهم‌السلام ضروری نیست و مجرد حزن و اندوه قلبی کافی است. نظر مبارک شما در مورد این کلام چیست؟

ج: در برپا داشتن شعائر دینی و سوگواری برای معصومین علیهم‌السلام صرف حزن قلبی کافی نیست، بلکه سزاوار است برای این که مردم بر مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام و مصائب آن

^۹. در آستانه مصیبت عظمی شهادت صدیقه کبری علیها‌السلام ص ۳۳

^{۱۰}. فاطمه و فاطمیه ص ۲۰

بزرگواران آگاه شوند ، حزن قلبی خود را با گریه و تباکی (حالت گریه کنندگان به خودگرفتن) و بر سر و صورت و سینه زدن ، آشکار نمایند^{۱۱}.

بررسی افکار شخصیت‌های منحرف

برخی از مدارک در اهمیت اشک حزن بر سالار شهیدان علیه السلام و زنده نگاه داشتن قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام مطرح گردید^{۱۲}.

عاشورا و عزاداری و اظهار غم و غصّه بر ابا عبدالله حسین بن علی علیه السلام از شعائر دین و از ضروریات مذهب شیعه می‌باشد . با وجود این ، عده‌ای ، جهت تضعیف حماسه عاشورا و کربلا ، یک مشت مزخرفات را به اسم عرفان یا اسلام شناسی ، بافته و در بین مردم منتشر نموده‌اند که موارد ذیل را بررسی می‌نماییم :

اول : ابن عربی و روزه روز عاشورا .

دوم : شریعتی و ارزش تربت حسینی علیه السلام .

سوم : ملای رومی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام^{۱۳} .

فصل اول : روزه گرفتن روز عاشورا

ابن عربی شخصیت منحرف عرفان اصطلاحی^{۱۴} ، برخلاف امامان شیعه علیهم السلام ، و با پیروی

^{۱۱} . آیت الله تبریزی : الشعائر الحسينیه ص ۱۱ .

^{۱۲} . در جلد ۱ و ۲ .

^{۱۳} . این موضوع در جلد بعد مطرح می‌شود .

^{۱۴} . محیی‌الدین عربی پدر عرفان اسلامی است . عرفای بعد از او ، همه از او الهام گرفته‌اند . مولوی ، حافظ ، . . . و امثال این‌ها

از دشمنان اہل بیت علیہم السلام^{۱۵}، ہمہ را ترغیب بہ روزہ روز عاشورا نمودہ و آن را از اسباب تقرب و مقدمہ شہود و تجلی می داند و در فضیلت روزہ روز عاشورا حدیثی جعلی و دروغین بہ پیروی از بنی امیہ نقل می نماید، او می نویسد: مسلم از ابی قتادہ نقل کردہ کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم دربارہ روزہ روز عاشورا فرمود: چون روز عاشورا را روزہ گرفتی بہ حساب خدا بدان کہ کفارہ گناہان سال گذشتہات قرار دہد^{۱۶}.

شاگردان مکتب محبی الدین اند بدون شک . محی الدین عربی ، اندلسی است . . . و اصلاً سنی متعصبی است .

استاد مطہری ، انسان کامل ص ۱۶ ، عرفان حافظ ص ۱۹ ، ۴۲ و ۴۳ ، امامت و رہبری ص ۲۰۲ و ۲۰۳

اہل عرفان ہرگاہ با عنوان فرہنگی یاد شوند با عنوان عرفا و ہرگاہ با عنوان اجتماعی شان یاد شوند غالباً با عنوان متصوفہ یاد می شوند . استاد مطہری ، خدمات متقابل اسلام و ایران ج ۲ ص ۲۴۱ ، کلیات علوم اسلامی ج ۲ بخش ۲ درس ۱ ص ۷۶

^{۱۵} . علامہ سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب الصحیح من سیرۃ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ج ۴ ص ۳۰۳ تا ۳۱۲ بہ بررسی موضوع روزہ یوم عاشورا پرداختہ است .

^{۱۶} . عبد اللہ بن سنان می گوید : در روز عاشورا خدمت آقایم حضرت صادق علیہ السلام شرفیاب شدم آن حضرت را با رنگ پریدہ و صورتی محزون مشاہدہ نمودم در حالی کہ اشک های چشم آن حضرت مانند ذرّ بر صورت مبارکش سرازیر بود عرض کردم یابن رسول اللہ چرا گریہ می کنید ؟ خداوند چشمانتان را گریان قرار ندهد ، امام فرمود : مگر غافلای آیا نمی دانی چہ مصیبتی در مثل چنین روزی بر امام حسین علیہ السلام رسیدہ است ؟ عرض کردم : آقایم دربارہ روزہ این روز چہ می فرماید ؟ فرمود : بدون نیست روزہ ، از خوردن و آشامیدن پرهیز کن و بدون خواندن دعای آن ، افطار کن و آن را روزہ کامل قرار نده ، بلکہ ساعتی بعد از نماز عصر بہ مقداری آب افطار کن . . . راوی گوید : امام صادق علیہ السلام سخت گریست کہ محاسن شریفش تر شد .

بحارالانوار ج ۴۵ ص ۶۳ ح ۳

^{۱۷} . فتوحات مکیّہ باب ۷۱ فی اسرار الصوم ج ۲ ص ۴۵۵ وصل فی فصل الصوم المندوب إلیہ : و سأذكر من ذلك ما هو مرغّب فیہ بالحال كالصوم فی الجہاد و بالزمان كصوم الاثنين و الخميس و عرفة و عاشوراء . . .

فتوحات مکیّہ باب ۷۱ فی اسرار الصوم ج ۲ ص ۴۷۶ وصل فی فصل صوم یوم عاشوراء . . . و لما كان الصوم أعنی صوم عاشوراء مرغّباً فیہ و . . . و كان حکمہ حکم الواجب فمن صامه حصل له قرب الواجب و قرب المندوب إلیہ فكان لصاحبه مشہدان و تجلیان یعرفہما من ذاقہما من حیث أنه صام یوم عاشوراء . . . ذکر مسلم عن ابی قتادہ أن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و

انحراف دیگر ابن عربی

خبیث‌ترین خلیفه عباسی (متوکل) را ، از اقطاب و اولیاء خدا می‌شمرد ! و او را در گروهی قرار می‌دهد که به خلافت ظاهری و باطنی رسیده‌اند !!

می‌گوید : فمنهم رضی الله عنهم الأقطاب . . . و منهم من یكون ظاهر الحكم ، و یحوز الخلافة الظاهرة ، كما حاز الخلافة الباطنة من جهة المقام كأبی بكر و عمر و عثمان و . . . و المتوکل^{۱۸}.

☞ و این متوکل‌گی که ابن عربی او را از قطب‌ها شمرد و او را جزو کسانی قرار داده که به خلافت ظاهری و باطنی رسیده‌اند ، همان کسی است که . . . دستور داده پس از ویران نمودن قبر امام حسین علیه السلام و خانه‌های اطراف آن ، روی آن کشاورزی کنند ، و از زیارت حضرت جلوگیری می‌نمود در نتیجه حائر حسینی پس از خرابی تبدیل به بیابان شد ، و متوکل در دشمنی معروف بود . . .^{۱۹}

سلم قال فی صیام یوم عاشوراء : احتسب علی الله أن یکفر السنة التي قبله .

^{۱۸} . فتوحات باب ۷۳ ج ۳ ص ۱۰ و ۱۱ .

^{۱۹} . علامه میرزا حسین نوری رحمته الله : . . . أنه لم یر فی علماء العامة و نواصبهم أشدّ نصباً منه ، ألیس هو القائل فی الفتوحات فی ذکر بعض حالات الأقطاب ما لفظه : و منهم من یكون ظاهر الحكم و یحوز الخلافة الظاهرة كما حاز الخلافة الباطنة من جهة المقام كأبی بكر و عمر و عثمان و علیّ و حسن و معاویة بن یزید و عمر بن عبد العزیز و المتوکل و هذا المتوکل الذی عدّه من الأقطاب و ممّن حاز الخلافة الظاهرة و الباطنة هو الذی . . . أمر یهدم قبر الحسین علیه السلام و هدم ماحوله من الدور و أن یعمل مزارع و منع الناس من زیارته ، و خرب و بقی صحراء و كان المتوکل معروفاً بالتعصّب . . . و صرّح فیهِ ایضاً بأن أصل الضلالات من الشیعة ، و صرّح فی مسامرة الأبرار بأن الرجیون جماعة لهم ریاضة من آثارها أنّهم یرون الروافض بصورة الخنزیر ، و صرّح فی الفتوحات بعصمة ابن الخطاب و غیر ذلك ممّا هو نصّ علی كونه من نواصبهم و . . . سفینة البحار ج ۲ ص ۳۵۸ و ۳۵۹ باب

این لعین پست (متوکل) ، بر اشیاء بنی‌أمیه فزونی داشت و انواع رذالت و دشمنی و مسخره کردن را نسبت به ائمه علیهم‌السلام روا داشت . تاریخ کارهایی را از او نقل می‌کند که قلم از بیانش شرم دارد . این در حالی است که معتقد هستیم معاندت و خبث طینت متوکل بیش‌تر از یزید بن معاویه است . . . ۲۰

متوکل و اهانت به قبر امام حسین علیه‌السلام

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته‌الله : . . . در سنه ۲۳۷ متوکل امر کرد قبر امام حسین علیه‌السلام را هدم^{۲۱} کنند^{۲۲} و خانه‌های اطراف قبر را نیز خراب کنند و زراعت نمایند در آن‌جا و منع کرد مردم را از زیارت آن حضرت^{۲۳} و زمین کربلا را شخم و شیار کرد . مسلمانان خیلی متألم شدند از این جهت ، و اهل بغداد بر دیوارها فحش و دشنام برای او نوشتند و شعراء او را هجو کردند . . .

ابوالفرج اصفهانی روایت کرده است که متوکل عمر بن فرج رَحْجی را والی مکه و مدینه کرده بود ، عمر منع کرد مردم را از احسان به آل ابوطالب و سخت در عقب این کار شد

الحاء بعده المیم المولی صدرا محمد بن ابراهیم الشیرازی

^{۲۰} . آیت الله سید عزالدین زنجانی : أشعة اللمعات نورالدین عبدالرحمن جامی ، مقدمه ص ۱۵ .

^{۲۱} . منهدم کنند ، از بین ببرند .

^{۲۲} . و متوکل هفده مرتبه این قبر شریف را خراب کرد و باز به صورت اولی برگشت . تتمه المنتهی ذکر ایام دولت متوکل ص ۳۳۴

^{۲۳} . و هم از جمله کارهای متوکل در ایام خلافت خود آن بود که مردم را منع کرد از زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام و قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام .

. . . و دیده بانها در طرق و راه‌های کربلا قرار داد که هرکه را یابند که به زیارت آن حضرت آمده است او را عقوبت کنند و به

به حدی که مردم از ترس جان دست از رعایت علویین برداشتند و چندان کار بر اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام تنگ شد که زنهای علویات تمام لباسهای ایشان کهنه و پاره شده بود و یک لباس درست نداشتند که نماز در آن بخوانند مگر یک پیراهن کهنه برای ایشان باقی مانده بود که هر گاه می‌خواهند نماز بخوانند یک یک آن پیراهن را به نوبت می‌پوشیدند و نماز می‌خواندند ، پس از فراغ از نماز از تن بیرون می‌کردند و دیگری می‌پوشید و خود برهنه به چرخ ریسی می‌نشست ، پیوسته به این عسرت گذرانیدند تا متوکل هلاک شد .

و شرح خبائث و کفر متوکل طویل و از رشته کلام خارج است و از ملاحظه همین قدر معلوم می‌شود که چه اندازه سخت بر امام علی علیه السلام گذشته در ایام او ^{۲۴}.

برخی از مزخرفات فصوص

فصوص الحکم و فتوحات مکیه دو کتاب معروف ابن عربی می‌باشد ، برخی از اشکالات کتاب فصوص او عبارتند از :

۱ . مشرک دانستن حضرت ابوطالب علیه السلام ^{۲۵} . ۲۶

^{۲۴} . منتهی الامال ج ۲ باب ۱۲ فصل ۵ ذیل روایت ۸ .

^{۲۵} . كما قال في حق أكمل الرسل وأعلم الخلق وأصدقهم في الحال : إنك لا تهدي من أحببت ولكن الله يهدي من يشاء ، و لو كان للهمة أثر و لا بدّ ، لم يكن أحد أكمل من رسول الله ص و لا أعلیو أقوى همة منه ، و ما أثرت في إسلام أبي طالب عمه ، و فيه نزلت الآية التي ذكرناها و لذلك قال في الرسول إنه ما عليه إلا البلاغ ، و قال تعالى ليس عليك هداهم و لكن الله يهدي من يشاء .

فصوص با شرح جامی فص لوطی ص ۳۰۵ و ۳۰۶

^{۲۶} . جهت بررسی این مطلب ، به پیام دین (حضرت ابوطالب علیه السلام ج ۲) مراجعه بفرمایید .

۲. الوہیت فرعون^{۲۷} .

۳. ایمان فرعون^{۲۸، ۲۹} .

۴. معرفی حضرت ہارون علیہ السلام بہ عنوان پیامبری کم ظرفیت^{۳۰} .

۵. نفی حکم غدیر و خلافت بلا فصل امیر المؤمنین علیہ السلام^{۳۱} .

۶. تحریف معنای خلود در جہنم^{۳۲} .

۷. وحدت وجود^{۳۳} .

^{۲۷} . و لما كان فرعون في منصب ... فصيح قوله أنا ربكم الأعلى و إن كان عين الحق فالصورة لفرعون .

فصوص با شرح جامی فص موسوی ص ۴۹۸

^{۲۸} . و كان قرعة عين لفرعون ... ما لهم نص في ذلك يستندون الشقاء إليه .

فصوص با شرح جامی فص موسوی ص ۴۷۹ ، ۴۸۰ ، ۵۰۰ و ۵۰۱

^{۲۹} . جهت توضیح بیشتر ، بہ پیام دین (احکام قرآن ج ۲) و کتاب سه رسالہ در نقد عرفان میرزای قمی رحمۃ اللہ علیہ ، می توانید مراجعہ بفرمایید .

^{۳۰} . و كان موسى أعلم بالأمر من هارون لأنه علم ما عبده أصحاب العجل لعلمه بأن الله قد قضى أن لا يعبد إلا إياه و ما حكم الله بشيء إلا وقع فكان عتب موسى أخاه هارون لما وقع الأمر في إنكاره و عدو إتساعه ...

فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۱ و ۴۶۲

^{۳۱} . وكذلك أخذ الخليفة عن الله ... و لهذا مات رسول الله و ما نص بخلافة عنه إلى أحد و لا عينه لعلمه أن في أمته من يأخذ الخلافة عن ربّه ...

فصوص با شرح جامی فص داودی ص ۳۸۷

^{۳۲} . و أما أهل النار ، فمآلهم إلى النعيم . و لكن في النار ، إذ لابدّ لصورة النار بعد انتهاء مدة العقاب أن يكون برداً و سلاماً على من فيها و هذا نعيمهم . فنعيم أهل النار ... نعيم خليل الله حين ألقى في النار فإنه تعذب برؤيتها ...

فصوص با شرح جامی فص یونسی ص ۴۰۰

لذلك كان مآل الخلق إلى السعادة ... و الكل سالک إلى الغاية فلا بدّ من الوصول إليها فلا بدّ من الوصول الى الرحمة و

فصوص با شرح جامی فص داودی ص ۳۹۳

مفارقة الغضب .

^{۳۳} . عبارات در زمينه وحدت وجود ، فراوان آورده ، که به برخی اشاره می شود :

فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۲

إن العارف من يرى الحق في كل شيء بل يراه عين كل شيء ...

۸. بازی با قرآن و تحریف مفاهیم آن به اسم تأویل^{۳۴}.

۹. تحریف معنای آیات قرآن درباره حضرت نوح علیه السلام .^{۳۵ ۳۶}

☛ فهو هو لا غيره . فكل ما ندرکه ، فهو وجود الحق في أعيان الممكنات . . . و إذا كان الأمر على ما ذكرته لك ، فالعالم متوهم ما له وجود حقيقي و هذا معنى الخيال . . . و إذا كان الأمر على ما قررناه فاعلم أنك خيال و جميع ما تدركه ممّا تقول فيه سوى خيال . فالوجود خيال في خيال .

☛ إنما الكون خيال ، و هو حق في الحقيقة ، كل من يفهم هذا ، حاز أسرار الطريقة . فصوص با شرح جامی فص سليمانی ص ۳۷۹

☛ فلما حرمّ الفواحش أي منع أن تعرف حقيقة ما ذكرناه ، و هي عين الأشياء فسترها بالغيرة . و هو أنت من الغير . . .

فصوص با شرح جامی فص هودی ص ۲۵۴

☛ و بالإخبار الصحيح أنه عين الأشياء .

☛ و صاحب التحقيق يرى الكثرة في الواحد كما يعلم أن مدلول الأسماء الإلهية و إن اختلفت حقائقها و كثرت ، أنها عين واحدة . . . فمن عرف نفسه بهذه المعرفة فقد عرف ربّه فإنه على صورة خلقه ، بل هو عين هويته و حقيقته .

فصوص با شرح جامی فص شعبي ص ۲۹۳ و ۲۹۴

☛ و لو لا سريان الحق في الموجودات و ظهوره فيها بالصورة ما كان للعام وجود . فصوص با شرح جامی فص آدمی ص ۷۷

☛ . . . روح من الله لا من غيره فلذا ، أحياء الموات و أنشأ الطير من طين . . . فصوص با شرح جامی فص عيسوی ص ۳۲۶

☛ و العالم على صورة الحق . فصوص با شرح جامی فص محمدی ص ۵۲۴

☛ فإن الإله المطلق لا يسعه شيء لأنه عين الأشياء و عين نفسه . . . فصوص با شرح جامی فص محمدی ص ۵۳۵

^{۳۴} . در کتب ابن عربی ، تأویل نادرست آیات قرآن ، فراوان به چشم می خورد ، فقط از باب نمونه :

☛ و أضله الله على علم و الضلال الحيرة . فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۶

☛ و آیه : و إن تظاهرا عليه فإن الله هو مولاه و جبريل و صالح المؤمنین . فتوحات ج ۱ باب ۲۲ ص ۴۳۸

☛ و آیه : إنك لا تهدي من أحببت و لكن الله يهدي من يشاء و هو أعلم بالمهتدين .

فصوص با شرح جامی فص لوطی ص ۳۰۵ و ۳۰۶

☛ و آیه : أفرايت من اتخذ إلهه هواه . فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۶

☛ و آیه : و قضی ربك أن لا تعبدوا إلا إياه . فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۶

☛ و آیات : ریح فيها عذاب أليم ، و : قالوا هذا عارض ممطرنا . فصوص با شرح جامی فص هودی ص ۲۵۱ و ۲۵۲

☛ و آیات دیگر . . .

تذکر : در مجموعه پیام دین (احکام قرآن ج ۲ و حضرت ابوطالب رضی الله عنه ج ۲) برخی از موارد فوق بررسی شده است .

۱۰ . نسبت دادن وهم و نا آگاهی به حضرت ابراهیم علیه السلام در تعبیر خواب^{۳۷} .

۱۱ . اسحاق را ذبیح می داند نه اسماعیل علیه السلام^{۳۸} .

۱۲ . علم عمر^{۳۹} !

۱۳ . فضل عمر و برتر بودن او از پیامبر در برخی جهات^{۴۰} .

۱۴ . برخلاف روایات اسماعیل صادق الوعد علیه السلام را اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام می داند^{۴۱ ۴۲} .

۱۵ . اعتقاد به جبر^{۴۳} .

۲۵ . **•** ممّا خطیئاتهم فهی التي خطت بهم فغرقوا فی بحار العلم بالله و هو الحیرة فأدخلوا ناراً فی عین الماء . . . فلم يجدوا من دون الله أنصاراً فكان الله عین أنصارهم فهلکوا فيه إلى الأبد . . . ذنک إن تذرهم أى تدعهم و تتركهم یضلّوا عبادک أى یحیروهم فیخرجوهم من العبودية الى ما فيهم من اسرار الربوبية . . .

۳۶ . جهت بررسی بیشتر ، به پیام دین (احکام قرآن ج ۲) مراجعه نمایید .

۳۷ . . . أن إبراهيم الخليل عليه السلام قال لابنه : إنى أرى فى المنام و المنام حضرة الخيال فلم يعبرها و كان كبش ظهر فى صورة ابن ابراهيم فى المنام فصدق إبراهيم الرؤيا ، ففداه ربّه من وهم ابراهيم بالذبح العظيم الذى هو تعبیر رؤياه عندالله و هو لا يشعر ! . . . و قال الله تعالى لإبراهيم حين ناداه : أن يا إبراهيم قد صدقت الرؤيا ، و ما قال له صدقت فى الرؤيا أنه إنك ، لأنه ما عبرها ! بل أخذ بظاهر ما رأى ! والرؤيا تطلب التعبير ! . . . ففعل فما وفى الموطن حقّه ! و صدق الرؤيا لهذا السبب .

فصوص با شرح جامی فص اسحاقی ص ۱۸۰ تا ۱۸۴

شرح فصوص قیصری فص اسحاقیه ص ۶۱۶ تا ۶۱۹ ، ممدالهمم کلمة اسحاقیه ص ۱۷۰ تا ۱۷۳

۳۸ . فصوص با شرح جامی فص اسحاقی ص ۱۷۷ . (یعنی نظریه اهل سنت را پذیرفته است) .

۳۹ . ألاترى رسول الله ، أتى فى المنام بقدر لبن ، قال فشربته حتى خرج الرى من أظافيرى ، ثم أعطيت فضلى عمر . قيل ما أولته يا

رسول الله ؟ قال : العلم . فصوص با شرح جامی فص اسحاقی ص ۱۸۵

۴۰ . فإنه من وجه يكون أنزل كما أنه من وجه يكون أعلى . و قد ظهر فى ظاهر شرعنا ما يؤيد ما ذهبنا إليه فى فضل عمر فى أسارى بدّر بالحكم فيهم و فى تأبير النخل . فما يلزم الكامل أن يكون له التقدم فى كلّ شيء و فى كلّ مرتبة و إنّما نظر الرجال إلى التقدم

فى رتبة العلم بالله . . . فصوص با شرح جامی فص شيبى ص ۱۰۰

۴۱ . فأثنى على إسماعيل بأنّه كان صادق الوعد . فصوص با شرح جامی فص اسماعيلی ص ۲۰۶

۴۲ . باب قصص إسماعيل عليه السلام الذى سماه صادق الوعد و بيان أنه غير إسماعيل بن إبراهيم عليه السلام . سفينة البحار باب السنين بعده الميم ج ۴

۱۶ . ہوی پرستی عین خداپرستی بلکہ بالاترین درجات خداپرستی^{۴۴} .

۱۷ . گوسالہ پرستی ، همان خداپرستی^{۴۵} .

۱۸ . بت پرستی ، عین خداپرستی^{۴۶} .

۱۹ . پذیرفته شدن توبہ حتی بعد از نمایان شدن آثار عذاب بر خلاف آیات و روایات^{۴۷ ۴۸} .

۲۰ . خود را بہ گونه‌ای برتر از انبیاء ﷺ می‌داند و بلکہ ادعای برتری بر خاتم الانبیاء می‌نماید^{۴۹ ۵۰} .

^{۴۳} . فما مشوا بنفوسهم و إنما مشوا بحکم الجبر إلى أن وصلوا إلى عين القرب . فصوص با شرح جامی فص ہودی ص ۲۴۹

^{۴۴} . فإنه قضی ألاً یعبد إلا إیاه . . . و أعظم مجلیً عبد فیہ و أعلاه الهوی . . . فهو أعظم معبود ، فإنه لا یعبد شیء إلا بہ .

فصوص با شرح جامی فص ہارونی ص ۴۶۶

^{۴۵} . فكان عدم قوۃ إرداع ہارون بالفعل آن ینفذ فی اصحاب العجل بالتسلیط علی العجل کما سلط موسی علیہ حکمة من الله ظاہرة فی

الوجود لیعبد فی کل صورة و إن ذهبت تلك الصورة بعد ذلك فما ذهبت إلا بعد ما تلبست عند عابدها بالالوهیة ولهذا ما بقى نوع

من الأنواع إلاً و عبد . . .

^{۴۶} . والعارف المکمل من رای کل معبود مجلیً للحق یعبد فیہ . . . و لذلك سموه کلهم الها مع اسمه الخاص بحجر أو شجر أو حیوان

أو إنسان أو کوکب أو ملک .

^{۴۷} . و أما قوله : فلم یک ینفعهم إیمانهم لَمَا رأوا بأسنا . . . فلم یدلّ ذلك علی أنه لا ینفعهم فی الآخرة بقوله فی الإستثناء إلا قوم

یونس . شرح فصوص قیصری فص موسویة ص ۱۱۴۳ ، ممدالهمم کلمة موسویة ص ۵۸۴

^{۴۸} . در مجموعه پیام دین (احکام قرآن ج ۲) ، این موضوع بررسی شده است .

^{۴۹} . فالمرسلون من کونهم أولیاء لایرون ما ذکرناه إلا من مشکاة خاتم الأولیاء . . . فإنه (خاتم الرسل) من وجه یکون أنزل کما أنه

من وجه یکون أعلى . . . فما یلزم الکامل أن یکون له التقدم فی کل شیء و فی کل مرتبة . . . أنه (خاتم الأولیاء) تابع لشرع

خاتم الرسل فی الظاهر . . . فإنه (خاتم الأولیاء) أخذ من المعدن الذی يأخذ منه المَلک الذی یُوحی به إلى الرسول . . . فکل نبی

من لدن آدم إلى آخر نبی ما منهم أحد يأخذ إلا من مشکاة خاتم النبیین . . . فخاتم الرسل من حیث ولايته ، نسبتہ مع الخاتم

للولاية نسبة الأنبیاء و الرسل معه . . . فصوص با شرح جامی فص شیخی ص ۹۹ تا ۱۰۴

تکمیل : در موارد مختلف زندیق لعین ابن عربی ، وجود نحس و نجس خودش را خاتم الأولیاء معرفی کرده است مانند :

☛ أنا الختم الولاية دون شک ، لورث الهاشمی مع المسیح . . . فتوحات ج ۱ باب ۴۳ ص ۵۶۳

☛ افسانه خشت طلا و نقره و جاسازی آن در دیوار کعبه . . . و عسی أن أكون ممن ختم الله الولاية بی . . .

فتوحات ج ۱ باب ۶۵ ص ۷۰۸

۲۱. دروغ بستن به پیامبر ﷺ در ادعای مبشّرہ فصوص الحکم^{۵۱}.

۲۲. تشبیه خداوند متعال به انسان (سبحان الله عما یصفون)^{۵۲}.

۲۳. حدوث و حادث ابن عربی ، معنای دیگر دارد^{۵۳}.

۲۴. مثال آوردن برای خداوند متعال^{۵۴، ۵۵}.

^{۵۰} . علامه حاج شیخ ذبیح الله محلاتی رحمته اللہ علیہ : اکنون ای برادر عزیز ، انصاف بده که شخص عاقل دین دار ، این خرافات و اراجیف و

کفریات از دهن او خارج می شود ؟ ! به خدای لاشریک له قسم است که هر که حکم به جنون و ضلال محی الدین نکند بعد از

اطلاع به دوره زندگانی او ، هر آینه در خودش رگ جنونی خواهد بود . کشف الإشتباه ص ۱۲۷

^{۵۱} . فصوص با شرح جامی خطبه ص ۴۴ تا ۴۷ . فصوص با شرح قیصری ص ۳۰۸ تا ۳۱۷ ، ممد الهمم ص ۸ و ۹ .

^{۵۲} . ﴿ فما وصفناه بوصف إلا كنا نحن ذلك الوصف . . . فوصف نفسه لنا بنا فإذا شهدنا ناه شهدنا نفوسنا و إذا شهدنا شهد نفسه .

فصوص با شرح جامی فص آدمی ص ۷۰

﴿ فإن الله يقول : كنت سمعه الذي يسمع به و بصره الذي يبصر به و يده التي يبطش بها و رجله التي يسعي بها . فذكر أن هويته

هي عين الجوارح التي هي عين العبد ، فالهوية واحدة و الجوارح مختلفة . . . فلا قرب أقرب من أن تكون هويته عين أعضاء العبد و

قواه . . . فهو حق مشهود في خلق متوهم . . . فصوص با شرح جامی فص هودی ص ۲۴۶ تا ۲۵۰

﴿ فإذا نظرت في قوله تعالى : كنت رجله التي يسعي بها . . . إلى غير ذلك من القوى . . . فقلت الأمر حق كلفه أو خلق كلفه فهو

خلق بنسبة و هو حق بنسبة و العين واحدة فعين صورة ما تجلّى عين صورة من قبل ذلك التجلّى فهو المتجلّى و المتجلّى له .

فصوص با شرح جامی فص شعبی ص ۲۸۵ و ۲۸۶

﴿ و بالأخبار الصحيح إنه عين الأشياء . . . فما يحد شيء إلا و هو حد للحق فهو الساري في مسمى المخلوقات و المبدعات و لو لم

يكن الأمر كذلك ما صح الوجود فهو عين الوجود . . . فالعالم صورته و هو روح العالم . . . فهو الإنسان الكبير !!!

فصوص با شرح جامی فص هودی ص ۲۵۷ و ۲۵۸

^{۵۳} . فإن الوجود منه أزلي و منه غير أزلي و هو الحادث . فالأزلي وجود الحق لنفسه و غير الأزلي وجود الحق بصورة العالم الثابت ،

فيسمى حدوثاً لأنه يظهر بعضه لبعضه ، و ظهر لنفسه بصور العالم . . . فصوص با شرح جامی فص موسوی ص ۴۸۵

^{۵۴} . امیرالمومنین عليه السلام می فرمایند : پرهیزید از این که برای پروردگار ، نظیر و شبیه آورده یا اورا به خلق خود شبیه نموده یا وهمتان

را بر او قرارداده ، یا فکرتان را پیرامون (ذات) او به کار بسته یا برای او مَثَل هایی آورده و یا او را به اوصاف مخلوقین وصف

نمایید که هر فردی که مرتکب این موارد گردد ، نتیجه عملش آتش جهنم می باشد . بحار الانوار ج ۳ ص ۲۹۸ ح ۲۵

^{۵۵} . ﴿ إن المقول عليه سوى الحق أو مسمى العالم هو بالنسبة إلى الحق كالظل للشخص . . . فهو ظل الله فهو عين نسبة الوجود إلى

۲۵. اتحاد ادیان بلکہ لامذہبی^{۵۶}.

۲۶. حیرت و سرگردانی^{۵۷}.

۲۷. ترجمہ عذاب بہ عذب (حلاوت و شیرینی)^{۵۸}.

...

☑ تذکر: کتاب فتوحات مکیہ او نیز، همانند کتاب فصوص الحکم، دارای انحرافات

بسیار است کہ برخی، در مجموعہ پیام دین (حضرت ابوطالب رضی اللہ عنہ ج ۲ و احکام قرآن

ج ۲) مطرح شدہ است.

فصل دوم: ارزش تربت حسینی

شریعتی ارزش تربت پاک امام حسین رضی اللہ عنہ ندانستہ و چنین می نویسد:

☛ شیعه صفوی خاک کربلا را بہ صورت یک مادہ خاصی می داند کہ با خاک های دیگر

زمین و آسمان فرق دارد... یک خاصیت معجزہ آسای ماوراء طبیعی و یک سحر است

العالم . فصوص با شرح جامی فص یوسفی ص ۲۲۸

☛ کالماء حقیقة واحدة مختلف فی الطعم... فمنه عذب فرات و منه ملح اجاج و هو ماء فی جمیع الأحوال لا یتغیر عن عن

حقیقتہ و إن اختلفت طعمہ... فصوص با شرح جامی فص ہودی ص ۲۴۶ و ۲۴۷

۵۶. ☛ فکن فی نفسک ہیولی لصور المعتقدات کلہا فإن الإله... أوسع و أعظم من أن یحصره عقد دون عقد فإنه یقول: فأینما

تولوا فثم وجه الله... فالکل مصیب و کل مصیب مأجور و کل مأجور سعید و کل سعید مرضی عند ربہ.

فصوص با شرح جامی فص ہودی ص ۲۶۵ و ۲۶۷

☛ إذ لو عرف ما قال الجنید لون الماء لون إنائه لسلم لكل ذی اعتقاد ما اعتقدہ، و عرف الله فی كل صورة و كل معتقد.

فصوص با شرح جامی فص محمدی ص ۵۳۵

۵۷. ☛ قفل فی الكون ماشئت: إن شئت قلت هو الخلق. و إن شئت قلت هو الحق. و إن شئت قلت هو الخلق. و إن شئت قلت لا

حق من كل وجه و لا حق من كل وجه. و إن شئت قلت بالحيرة فی ذلك. فصوص با شرح جامی فص ہودی ص ۲۶۲

۵۸. ☛ ریح فیہا عذاب أليم، فجعل الريح إشارة إلى ما فیہا من الراحة لهم فإن بهذه الريح أراحهم من هذه الهياكل المظلمة و... و فی

هذه الريح عذاب أى أمر يستعذبونه إذا ذاقوه إلا أنه یوجعهم لفرقة المألوف... فصوص با شرح جامی فص ہودی ص ۲۵۲

ذاتی جوهری و فضیلت مرموز و نفهمیدنی پنهان است که آن را ارزش و تقدیس دینی داده است . اما یک شیعه علوی می‌داند که خاک حسین با خاک‌های دیگر فرقی ندارد نیرویی ، مانائی ، روحی ، خاصیت مرموز غیبی و اثر شیمیایی اسرارآمیز و خصوصیت ذاتی و جنسی غیر طبیعی در آن نیست ، خاک است^{۵۹} .

سخن دکتر شریعتی حاکی از عدم مطالعه وی در عظمت امام حسین علیه السلام و معنویت تربت پاک آن بزرگوار است . برای کسی که مدعی اسلام شناسی است ، بسیار زشت و ناپسند و غیر معقول است که فرقی میان خاک قبر امام حسین علیه السلام و دیگر خاک‌ها را تشخیص نداده باشد^{۶۰} .

در این زمینه به عبارات ذیل دقت نمایید :

امام رضا علیه السلام : خوردن هر نوع خاکی حرام است . . . غیر از خاک قبر امام حسین علیه السلام ، زیرا که خوردن خاک قبر آن حضرت برای هر دردی دواء می‌باشد^{۶۱} .

امام صادق علیه السلام : هرکس را دردی فرا رسد و با خاک قبر حسین علیه السلام مداوا کند ، خداوند او را از آن بیماری و درد شفاء عنایت فرماید ، مگر آن‌که آن بیماری مرگ بوده

^{۵۹} . بررسی و نقد اندیشه دکتر شریعتی ص ۱۰۸ ش ۳۳ به نقل از تشیع علوی و تشیع صفوی ص ۱۰۲ چاپ سازمان انتشارات حسینیه ارشاد .

^{۶۰} . بررسی و نقد اندیشه دکتر شریعتی ص ۱۰۸ ش ۳۳

^{۶۱} . سفینة البحار ج ۵ ص ۳۶۴ باب الطاء بعده الیاء : کل طین حرام . . . ما خلا طین قبر الحسین علیه السلام فإنه شفاء من کل داء .

باشد^{۶۲}.

☞ امام صادق علیه السلام : در خاک قبر امام حسین علیه السلام شفاء همه دردها قرار دارد و آن بزرگ ترین دواء می باشد^{۶۳}.

☞ امام صادق علیه السلام : اگر چنانچه مریضی از مؤمنین که حق امام حسین علیه السلام را بشناسد و احترام و ولایت او را داشته باشد ، برای او تا مسافت یک میل از خاک قبر آن حضرت شفا و دوا خواهد بود^{۶۴}.

☞ ابو حمزه ثمالی به امام صادق علیه السلام عرض کرد : اصحاب ما به جهت استشفاء تربت حسین علیه السلام را برمی دارند ، آیا در تربت شفائی که معتقدند ، وجود دارد ؟ امام فرمود : طلب شفاء تا فاصله ۴ میل^{۶۵} می باشد^{۶۶}.

^{۶۲} . من أصابته علة فتداوى بطين قبر الحسين علیه السلام ، شفاه الله من تلك العلة إلا أن تكون علة السّام . بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۱۲۴

^{۶۳} . فى طين قبر الحسين علیه السلام الشفاء من كل داء و هو الدواء الأكبر . بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۱۲۳ و ۱۲۴ ، كامل الزيارات ص ۲۸۹

^{۶۴} . كامل الزيارات ص ۲۹۳

^{۶۵} . روايات و نظرات در زمينه مسافت مختلف می باشد ، توضیح این مطلب در صفحات بعد بررسی می شود .

^{۶۶} . أن أباحمزة الثمالي قال للصادق علیه السلام : إني رأيت أصحابنا يأخذون من طين قبر الحسين علیه السلام يستشفون ، فهل فى ذلك شىء مما

يقولون من الشفاء ؟ فقال علیه السلام : يستشفى ما بينه و بين القبر على رأس أربعة أميال و كذلك قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و كذلك قبر الحسن و على و محمد علیهما السلام فخذ منها فإنها شفاء من كل سقم و جنة مما يخاف ثم أمر بتعظيمها و أخذها باليقين بالبرء و بختها إذا أخذت . مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۰۴ ح ۲

☞ علامه مجلسی رحمته الله : هذا الخبر . . . يدل على جواز الإستشفاء بطين قبر الرسول صلی الله علیه و آله و سائر الأئمة علیهم السلام و لم يقل به أحد من الأصحاب و مخالف لسائر الأخبار عموماً و خصوصاً و يمكن حمله على الإستشفاء بغير الأكل كحملها و التمسح بها و أمثال ذلك . بحارالانوار ج ۶۰ ص ۱۵۶

خوردن خاک

✎ خوردن خاک حرام است.^{۶۷}

✎ خوردن گل ، بلکه بنا بر احتیاط واجب ، خوردن خاک حرام است.^{۶۸}

✎ خوردن گل حرام است و همچنین است خاک و شن بنا بر احتیاط لازم.^{۶۹}

✎ خوردن گل حرام است و همچنین بنا بر احتیاط بقیه اجزای زمین مانند خاک و ریگ و

سنگ.^{۷۰، ۷۱}

✎ خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای شفا^{۷۲} جایز است.^{۷۳} و بهتر این

^{۶۷} آیات عظام گلپایگانی ، صافی گلپایگانی ، خویی ، تبریزی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی و زنجانی ، توضیح المسائل مراجع ،

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ و ۵۹۹ م ۲۶۲۸ .

^{۶۸} آیت الله اراکی ، توضیح المسائل مراجع ج ۲ ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ م ۲۶۲۸ .

^{۶۹} آیت الله سیستانی ، توضیح المسائل مراجع ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۹ م ۲۶۲۸ .

^{۷۰} آیت الله وحید خراسانی ، رساله توضیح المسائل ص ۵۱۴ م ۲۶۹۲ .

^{۷۱} کله الباقری علیه السلام : من أكل الطين فإنه تقع الحكمة في جسده و يورثه البواسير و يهيج عليه داء السوء و يذهب بالقوة من ساقیه و

قدمیه . . . بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۵۱ ح ۱

کله یا علی ثلاث من الوسواس : أكل الطين و تقليم الأظفار بالأسنان و أكل اللحية . بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۵۰ ح ۲

کله الصادق علیه السلام : إن الله عزوجل خلق آدم من طين فحرم أكل الطين على ذريته . بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۵۲ ح ۶

کله النبوی صلی الله علیه و آله : من أكل الطين فهو ملعون و من أكل الطين فمات فقد أعان على نفسه .

بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۵۳ و ۱۵۴ ح ۹ و ۱۵

^{۷۲} . علامه مجلسی رحمته الله : و أما الأكل بمحض التبرک فالظاهر عدم الجواز للتصريح به في بعض الأخبار و عموم بعضها ، لكن ورد في

بعض الأخبار جواز إفتار العید به و إفتار يوم عاشورا أيضاً به ، و جوزّه فیهما بعض الأصحاب ولا یخلو عن قوة الإحتیاط فی التبرک

. . . قال المحقق الأردبیلی رحمته الله : و لابد أن يكون بقصد الإستشفاء و إلا فیحرم و لم یحصل له الشفاء . . . بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۶۱

^{۷۳} . مرحوم امام و آیات عظام اراکی ، گلپایگانی ، صافی گلپایگانی ، خویی ، تبریزی ، فاضل لنکرانی ، زنجانی . توضیح المسائل

است که تربت را در مقداری از آب مثلاً حل نمایند تا مستهلک شود و بعداً آن آب را بیاشامد.^{۷۴}

☞ خوردن کمی از تربت پاک حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام (کمتر از یک نخود) به قصد شفاء اشکال ندارد.^{۷۵}

☞ خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای استشفاء به مقدار یک نخود متوسط جایز است^{۷۶} و اگر آن را از خود قبر مقدس یا اطراف آن بر ندارد هرچند تربت امام حسین علیه السلام بر آن صدق کند به احتیاط واجب باید در مقداری از آب و مانند آن حل نمایند که مستهلک شود و بعداً آن آب را بیاشامند و همچنین این احتیاط را باید رعایت کرد در موردی که اطمینان نباشد که تربت از قبر مقدس آن حضرت است و بینه‌ای هم بر آن شهادت ندهد.^{۷۷}

حدود تربت به جهت استشفاء^{۷۸}

کلمات و روایات درباره مکانی که برداشتن خاک از آن جایز است ، مختلف می باشد :

مراجع ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ م ۲۶۲۸ .

^{۷۴} . آیت الله وحید خراسانی ، رساله توضیح المسائل ص ۵۴۸ م ۲۶۹۲ و آیات عظام خویی ، تبریزی فاضل لنکرانی . توضیح

المسائل مراجع ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ م ۲۶۲۸ .

^{۷۵} . آیت الله مکارم شیرازی ، توضیح المسائل مراجع ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ م ۲۶۲۸ .

^{۷۶} . آیت الله وحید خراسانی ، رساله توضیح المسائل ص ۵۴۸ م ۲۶۹۲ و آیت الله سیستانی ، توضیح المسائل مراجع ج ۲ ، احکام

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۸ م ۲۶۲۸ .

^{۷۷} . آیت الله سیستانی ، توضیح المسائل مراجع ج ۲ ، احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها ص ۵۹۹ م ۲۶۲۸ .

^{۷۸} . مستدرک الوسائل ج ۱۰ باب ۵۰ حدّ حرم الحسین علیه السلام ص ۳۱۹ .

۷ در بعضی خاک قبر

۷ و در بعضی خاک حائر حسین علیه السلام

۷ در برخی مسافت کمتر از ۲۰ ذراع

۷ و ۲۵ ذراع هم از چهار طرف قبر وارد شده

۷ و ۷۰ ذراع هم در روایت ذکر شده

۷ و تا یک میل هم آمده

۷ و برکت قبر امام علیه السلام تا ده میل هم روایت شده

۷ و حرم امام حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف هم بیان شده

۷ و در بعضی روایات پنج فرسخ

☞ اختلاف در روایات این گونه قابل جمع است که : جمع بین روایات جایز و مراتب

فضیلت مختلف است ^{۷۹}. ۸۰

۷ محقق اردبیلی رحمته الله علیه می فرماید : هر چه به آن تربت حسینی بگویند مباح است ^{۸۱}. ۸۲

^{۷۹}. حاج شیخ عباس قمی ، سفینه البحار ج ۵ طین ص ۳۶۵ .

^{۸۰} . و لعل الاختلاف من جهة تفاوت مراتبها فی الفضل ، فكل ما قرب الى القبر الشريف كان أفضل . وسيلة النجاة سيد ابوالحسن

اصفهانى ج ۲ ص ۲۵۳ م ۱۱ . هداية العباد گلیایگانی ج ۲ ص ۲۳۴ م ۸۲۰ ، هداية العباد صافی گلیایگانی ج ۲ ص ۳۰۳ م ۱۱

^{۸۱} . قال المحقق الأردبیلی طیب الله تربته و أما المستثنى فالمشهور أنه تربة الحسين علیه السلام فكل ما يصدق عليه التربة يكون مباحاً و

مستثنى و فی بعض الروایات طین قبر الحسين علیه السلام فالظاهر أن الذى يؤخذ من القبر الشريف حلال و لما كان الظاهر عدم امکان

ذلك دائماً فیمکن دخول ما قرب منه و حوالیه فيه أيضاً . و يؤیده ما ورد فی بعض الأخبار طین الحائر و فی بعض علی سبعین

ذراعاً و فی بعض علی عشرة أمیال . بحار الانوار ج ۶۰ ص ۱۶۰

تربت ساير معصومين عليه السلام

☞ جايز بودن خوردن تربت اختصاص به تربت حسيني دارد و خوردن تربت ساير معصومين عليه السلام جايز نيست.^{۸۳}

☞ و مضمون اين است كه خوردن تربت حضرت رسول اكرم صلى الله عليه وآله و ساير ائمه طاهرين عليه السلام براي شفا ، در اين حكم مثل تربت امام حسين عليه السلام باشد اگرچه احوط اين است كه آن را در آب مخلوط كنند به طوري كه مستهلك شود.^{۸۴}

☞ امام كاظم عليه السلام: چيزي از خاك تربت مرا براي تبرگ جستن به آن برنداريد ، به اين جهت كه خوردن همه خاكها غير از خاك قبر جدم حسين بن علي عليه السلام براي ما حرام گشته

^{۸۳} . آيت الله سيستاني : القدر المتيقن من محل أخذ التربة هو القبر الشريف و ما يقرب منه على وجه يلحق به عرفاً فالأحوط وجوباً الإقتصار عليه ، و استعمالها فيما زاد على ذلك ممزوجة بماء أو مشروب آخر على نحو تستهلك فيه و يستشفى به رجاء .

منهاج الصالحين ج ۳ م ۹۲۲

آيات عظام سيدابوالحسن اصفهاني ، گلپايگاني و صافي گلپايگاني : الأحوط الإقتصار على ما حول القبر إلى سبعين ذراعاً و فيما زاد على ذلك أن تستعمل ممزوجاً بماء أو شربة على نحو لا يصدق عليه الطين و يستشفى به رجاءً .

وسيلة النجاة ج ۲ ص ۲۵۳ م ۱۱ ، هداية العباد ج ۲ ص ۳۰۳ م ۱۱ ، هداية العباد آيت الله گلپايگاني ج ۲ ص ۲۳۴ م ۸۲۰

علامه مجلسي رحمته الله : و الأحوط في الأكل أن لا يجاوز الميل بل السبعين . احتياط در خوردن تربت اين است كه از يك ميل بلكه از ۷۰ ذراع تجاوز نكند . بحارالانوار ج ۶۰ ص ۱۶۰

^{۸۳} . آيت الله خويي : منية السائل في الأطعمة و الأشربة ص ۱۸۸ و مسائل الشرعية ج ۲ ص ۲۶۷ س ۱۲ . آيت الله سيستاني : منهاج

الصالحين ج ۳ ص ۳۰۲ م ۹۲۰ . آيت الله گلپايگاني : هداية العباد ج ۲ ص ۲۳۳ م ۸۱۸ ، آيت الله سيد ابوالحسن اصفهاني :

وسيلة النجاة ج ۲ ص ۲۵۳ م ۹ . آيت الله صافي گلپايگاني : هداية العباد ج ۲ ص ۳۰۲ م ۹ ،

^{۸۴} . آيت الله بهجت . توضيح المسائل مراجع ج ۲ ، احكام خوردنيها و آشاميدنيها ص ۵۹۸ و ۵۹۹ م ۲۶۲۸ .

است زیرا خداوند عزوجل از برای شیعیان و دوستان ما در آن شفاء قرار داده است.^{۸۵}

حنوط میت

☞ مستحب است ، قدری تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام با کافور مخلوط کنند ، ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی احترامی می شود نرسانند و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد که وقتی با کافور مخلوط شد ، آن را کافور نگویند.^{۸۶}

دفن میت

☞ به اندازه یک خشت ، تربت سیدالشهداء علیه السلام مقابل روی میت در قبر بگذارند به گونه ای که وقتی میت از هم متلاشی شد ، از آلوده شدن ، محفوظ بماند بلکه اگر مقداری از تربت سیدالشهداء علیه السلام را هم در قبر قرار دهند پسندیده است.^{۸۷}

سجده بر تربت

☞ برای سجده بهتر از هر چیز ، تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد^{۸۸} ، بعد از آن

^{۸۵} . لا تأخذوا من تربتی شیئاً لتتبرکوا به ، فإن کلّ تربة لنا محرمة إلا تربة جدی الحسین بن علی علیه السلام ، فإن الله عزوجل جعلها شفاء لشیعتنا و أولیائنا . بحارالانوار ج ۱۰۱ باب ۱۶ ح ۱ ص ۱۱۸

^{۸۶} . آیت الله وحید خراسانی توضیح المسائل ص ۱۰۶ و ۱۰۷ م ۵۹۶ ، مرحوم امام و آیات عظام گلپایگانی ، اراکی ، صافی گلپایگانی ، خویی ، تبریزی ، شبیری زنجانی ، سیستانی ، بهجت ، فاضل لنکرانی . توضیح المسائل مراجع ج ۱ احکام حنوط ص ۳۵۱ م ۵۹۱ . عروة الوثقی ج ۱ ص ۲۹۹ م ۹ . وسائل الشیعة ج ۲ باب ۱۲ ص ۷۴۲ ح ۱

^{۸۷} . آیت الله سیستانی ، توضیح المسائل جامع ج ۱ ص ۲۴۴ م ۷۷۲ ش ۱۴ . عروة الوثقی ج ۱ ص ۳۲۱ فی مستحبات الدفن . وسائل الشیعة ج ۲ باب ۱۲ ص ۷۴۲ ح ۳

^{۸۸} . که یادآور خون های شهیدان می باشد . آیت الله مکارم شیرازی ، توضیح المسائل مراجع ج ۱ واجبات نماز سجود ص ۶۰۹ و ۶۱۰ م ۱۰۸۳ .

خاک ...^{۸۹}

ک امام صادق علیه السلام فقط بر تربت امام حسین علیه السلام سجده می نمودند^{۹۰} ، کیسه زرد رنگ ابریشمی داشتند که در آن تربت حسینی بود ، هرگاه وقت نماز می رسید تربت را بر سجاده ریخته و بر آن سجده می کردند^{۹۱} و می فرمودند : سجود بر تربت حسین علیه السلام تا زمین هفتم را نورانی می کند^{۹۲} . و سجده بر تربت ابي عبدالله علیه السلام از حجاب های هفتگانه عبور می نماید^{۹۳} .

اما این که برخی از شیعیان ، تربت مزار امام حسین علیه السلام را برای سجده انتخاب می کنند به این خاطر است که این خاک ، طاهر و شریف و مقدس است . . . این تربت ، برای ما یادآور شهادت امام حسین علیه السلام در راه خدا و احیاء دین اسلام است . پس هر که بر این خاک پاک سجده می کند به یاد می آورد که باید رفتاری شایسته و خالص داشته باشد و آماده باشد تا جان خود و هر آنچه که برایش ارزشمند است ، در راه خدا تقدیم

^{۸۹} . آیت الله وحید خراسانی ، توضیح المسائل ص ۱۹۲ م ۱۰۹۲ و مرحوم امام ، آیات عظام گلپایگانی ، اراکی ، صافی گلپایگانی ، سیستانی ، خوبی ، تبریزی ، بهجت ، فاضل لنکرانی و شبیری زنجانی . توضیح المسائل مراجع ج ۱ واجبات نماز سجود ص ۶۰۹ م ۱۰۸۳ .

^{۹۰} . کان الصادق علیه السلام لایسجد إلا علی تربة الحسین علیه السلام . وسائل الشیعة ج ۳ باب ۱۶ ص ۶۰۸ ح ۴

^{۹۱} . کان لأبی عبدالله علیه السلام خریطة دیباج صفراء فیها تربة ابي عبدالله علیه السلام فكان إذا حضرته الصلاة صبه علی سجاده و سجد علیه .

وسائل الشیعة ج ۳ باب ۱۶ ص ۶۰۸ ح ۳

^{۹۲} . السجود علی طین قبر الحسین علیه السلام ینور إلى الأرضین السبعة . وسائل الشیعة ج ۳ باب ۱۶ ص ۶۰۷ و ۶۰۸ ح ۱

^{۹۳} . إن السجود علی تربة ابي عبدالله علیه السلام یخرق الحجب السبع . وسائل الشیعة ج ۳ باب ۱۶ ص ۶۰۸ ح ۳

کند ، و این گونه ، خشوع و خضوعش برای خدا بیشتر می شود^{۹۴}.

تسبیح تربت

☞ مستحب است تسبیح از تربت امام حسین علیه السلام باشد و در خبر است زمانی که تسبیح در دست شخص است ذکر می گوید و برای شخص ، تسبیح نوشته می شود هرچند غافل باشد^{۹۵}.

☞ امام صادق علیه السلام: هر که تسبیح تربت حسین علیه السلام همراه داشته باشد ذاکر نوشته می شود هر چند با تسبیح ذکر نگوید^{۹۶}.

کام نوزاد

امام صادق علیه السلام : کام فرزندان را با تربت حسین علیه السلام بردارید زیرا امان است^{۹۷}.

بوییدن و بوسیدن تربت

☞ س : بوسیدن مهر و تربت اشکال شرعی دارد ؟

ج : برای تبرک نه تنها جایز است بلکه پسندیده است^{۹۸}.

^{۹۴} . آیت الله سید محمد شاهرودی ، اجوبة المسائل الاعتقادية ص ۹۰ و ۹۱ ، پاسخ به پرسش های اعتقادی ص ۱۲۴ و ۱۲۵ ص ۴۷ .

^{۹۵} . يستحب أن يكون السبحة بطين قبر الحسين صلوات الله عليه و في الخير أنها تسبح إذا كانت بيد الرجل من غير أن يسبح و يكتب

له ذلك التسبيح و إن كان غافلاً . عروة الوثقى ج ۱ في التعقيب ص ۵۴۸ م ۱۹

^{۹۶} . ومن كانت معه سبحة من طين قبر الحسين عليه السلام كتب مسبحاً و إن لم يسبح بها . وسائل الشيعة ج ۳ باب ۱۶ ص ۶۰۸ ح ۱

^{۹۷} . مستدرک الوسائل ج ۱۵ باب ۲۷ ص ۱۳۸ ح ۲ . مرآة الكمال ج ۱ فصل ۱ مقام ۱ ص ۲۷

^{۹۸} . آیت الله سید محمد شاهرودی استفتائات ص ۳۸۹ س ۱۵۱۱ .

ک شخصی از شیعیان گوید : مقداری از تربت قسمت بالاسر مضجع شریف امام حسین علیه السلام را که گلی سرخ رنگ بود برداشتم (وقتی از زیارت سیدالشهداء علیه السلام برگشتم) خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و آن را به حضرتش تقدیم کردم ، حضرت آن را در دست گرفتند و بوییدند ، سپس گریستند تا آنجا که اشکشان جاری شد و فرمودند : این تربت جدم امام حسین علیه السلام است ^{۹۹} .

ک امام صادق علیه السلام : به درستی که خداوند تربت جدم امام حسین علیه السلام را وسیله بهبودی و شفاء هر دردی و امان از هر ترس و خوف قرار داده است و چون یکی از شما آن را برگیرد باید ببوسد و بر چشمانش نهد و بر بدنش بمالد ^{۱۰۰} .

فصل سوم : ملای رومی و عزاداری ^{۱۰۱}

با عرض سلام خدمت مرجع بزرگوار ، فقیه اهل بیت علیهم السلام خواهشمندیم ما را در مورد موضوع ذیل راهنمایی فرمائید :

فردی است که چنین عقیده دارد : روز عاشورا ، تحقیقاً روز شادی و مسرت اهل بیت علیهم السلام است زیرا روز کامیابی و ظفر و وصال امام حسین علیه السلام و اصحاب حضرت به پروردگار

^{۹۹} . عن أبي بكار قال : أخذت من التربة التي عند رأس الحسين بن علي ع طيناً أحمر فدخلت على الرضا علیه السلام فعرضتها عليه فأخذها

فی کفه ثم شمها ثم بکی حتی جرت دموعه ثم قال : هذه تربة جدی . بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۱۳۱ ح ۵۶

^{۱۰۰} . إن الله جعل تربة جدی الحسين علیه السلام شفاء من كل داء و أماناً من كل خوف ، فإذا تناولها أحدكم فليقبلها و يضعها على عينيه و

ليمرها على سائر جسده . بحارالانوار ج ۱۰۱ باب ۱۶ ح ۴ ص ۱۱۹

^{۱۰۱} . ملای رومی و پیروان او ، درباره عزاداری امام حسین علیه السلام انحرافات را مطرح می کنند که در جلد بعدی بررسی می نمایم .

متعال است ، او معتقد است مردم خبر ندارند و چنان محبت دنیا چشم و گوششان را بسته که بر آن روز تأسف می‌خورند و همچون زن فرزند مرده می‌نالند ، مردم نمی‌دانند که همه این‌ها فوز و رستگاری و معامله پر بها در برابر شیء کم‌ارزش است . البته تصریح می‌کنیم که ایشان در دهه عاشورا و خصوصاً روز عاشورا بسیار گریه می‌کنند و اشک‌هایشان متوالی و متواتر بر گونه‌ها جاری است لکن همه این گریه‌ها گریه شوق است ، گریه از شدت وجد و سرور است نه گریه حُزن .

و برای اعتقاد خود دلائلی هم از روایات دارد :

• روز عاشورا هرچه آتش جنگ افروخته‌تر می‌شد و مصائب آن حضرت افزون‌تر ، چهره‌اش برافروخته و شاداب‌تر می‌شد . . . تا انتهای حدیث

• یا امیرالمؤمنین در وقت شهادت که شمشیر بر فرق مبارکش زدند می‌فرماید : فزت و رب الكعبه و مرگ برای سیدالشهداء هم عین فوز و رستگاری است ، همچنان که برای پدرشان امیرالمؤمنین بود . یا می‌گوید : البته مردم عادی که به دنیا و نفس اماره گرفتارند و از نفس بیرون نیامده‌اند باید گریه و عزاداری و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی کنند تا بدین طریق بتوانند راه کمال را طی نمایند . این فرد گروهی را هم دچار شک و تردید نموده است . خواهشمند است بفرمایید این عقیده در مذهب تشیع صحیح است یا خیر ؟

رفت و آمد و معاشرت با او یا افرادی که چنین عقیده‌ای دارند چه حکمی دارد ؟

لطفاً اگر صلاح دانستید تأیید یا رد را مستدل بیان فرمایید تا حق در این مطلب واضح

گردد و افراد از شبهه خارج گردند .

شیطان در لباس انسان

﴿ جواب از آیت الله مکارم شیرازی : این عقیده اشتباه محض است زیرا روایات بی شماری از ائمه معصومین علیهم السلام داریم که دستور سوگواری بر شهیدان کربلا داده است و خود امامان نیز سوگواری می کردند و جلسه عزاداری تشکیل می دادند و انکار این مطلب از قبیل انکار بدیهیات است و نشانه بی اطلاعی انکار کننده است . چنین شخصی را نصیحت کنید و اگر نصیحت پذیر نیست از او فاصله بگیرید که به نظر می رسد شیطانی است در لباس انسان ^{۱۰۲} .

از آنان کناره بگیرید و طردشان نمائید

﴿ جواب از آیت الله تبریزی : بر حسب روایات کثیره اظهار حزن و بکاء و حتی جزع و بی تابی در مصیبت بزرگ عاشورا مطلوب و راجح است و فعل و قول انبیاء گذشته علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز در روایات و آثار ذکر شده است و اما فوز عظیم شهادت و تقرب الهی به سبب تحمّل مصیبات جنبه دیگری از قضیه عاشورا و حوادث واقعه قبل و بعد از آن است بلکه اظهار تنفّر و برائت از پدید آوران این مصیبت عظمی لازمه ایمان است و سبب قرب به پروردگار و جبران نقائص اعمال است و باید

^{۱۰۲} . استفتاء خصوصی کتبی .

این اشخاص کجرو و منحرف را ارشاد نمود و اگر نخواستند به راه مستقیم و شعار تشیع عمل کنند باید از آنان کناره گرفت و از جرگه مؤمنین طردشان نمود^{۱۰۳}.

☞ در برپایی شعائر معصومین علیهم السلام حزن قلبی کافی نیست ، بلکه اظهار گریه و تباکی و به سر و سینه زدن در محقق شدن شعار حزن ، سزاوار می باشد ، تا مردم از جریان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام آگاه شوند^{۱۰۴}.

☞ به سر و سینه زدن و گریستن هر چند خشن و شدید ، اگر به خاطر حزن بر حسین علیه السلام باشد ، از شعائر دینی و داخل در عنوان جزع است . . .^{۱۰۵}

در شادی ما شاد و در غم ما محزونند

☞ جواب از آیت الله سید محمد شاهرودی : آنچه از روایات استفاده می شود آن که تمام ملائکه خدا بر مصائب ابا عبدالله عزاداری نموده و جمعی از ملائکه همواره مشغول عزاداری بر آن حضرت و دعا و استغفار برای برپاکنندگان عزا و گریه کنندگان و زوار آن حضرت هستند .

^{۱۰۳} . استفتاء خصوصی کتبی .

^{۱۰۴} . لایکنفی الحزن فی القلب فی إقامة الشعائر علی المعصومین علیهم السلام بل ینبغی فی تحقیق شعار الحزن اظهار البكاء و التباکی و اللطم لتنبیه الناس علی ما جرى علیهم من المظلومية .
الأنوار الإلهیة فی المسائل العقائدية ص ۲۰۱

^{۱۰۵} . اللطم والبكاء و إن كان عنيفاً و شدیداً حزناً علی الحسین علیه السلام من الشعائر الدینی و داخلاً تحت الجزع ، و قد وردت روایات معتبرة فی رجحانه و استحبابه و كونه موجباً للتقرب إلى الله سبحانه ، و لو أدى اللطم إلى اسوداد الصدر و الإضرار بالجسد لا بأس به ، ما لم یصل إلى حد الجنایة ، و لم یكن وهناً للمذهب .
الأنوار الإلهیة فی المسائل العقائدية ص ۲۰۶

جميع انبياء از حضرت آدم عليه السلام تا حضرت خاتم عليه السلام براي حضرت اباعبدالله عليه السلام عزاداري کرده و در مصيبت آن حضرت گريه کرده‌اند .

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام براي مصائب و مظلوميت فرزندشان عزاداري کردند ، و آن‌گاه که از اين مصيبت نزد پيغمبر عليه السلام شکوه نمودند ، حضرتش چنين او را تسلي دادند که شيعيان تا روز قيامت هر ساله عزاداري خواهند کرد و نسل به نسل عزا را تجديد خواهند کرد و زنان امت بر مصيبت زن‌هاي اهل بيت و مردان امت بر مصيبت مردان اهل بيت گريه خواهند کرد .

آسمان و زمين و آنچه بين آن است در مصيبت حضرت اباعبدالله عليه السلام عزادار شدند .
ائمه معصومين عليهم السلام هر کدام براي آن حضرت عزاداري کردند .

امام صادق عليه السلام روز اول محرم را روز عزا و مصيبت خود قرار مي‌داد و هر روز عزاداري آن حضرت بيشتري مي‌شد تا وقتی که روز عاشورا فرا مي‌رسيد ، حزن و اندوه و عزاداري آن حضرت به اوج خود مي‌رسيد ، و به اين ترتيب به شيعيان خود مي‌آموختند که در اين مصيبت برخلاف مصيبت‌هاي ديگر از قبل عزاداري شروع مي‌شود .

ائمه ما عليهم السلام بارها و بارها مجالس روضه‌خواني تشكيل مي‌دادند و شعراي اهل بيت را تشويق به خواندن اشعار در مصيبت اباعبدالله عليه السلام مي‌نمودند و شيعيان را تشويق به اقامه عزا و رفتن به زيارت امام حسين عليه السلام در ايام مصيبت آن حضرت مي‌نمودند .

امام زمان علیه السلام همچنان عزادار آن حضرت است ، هر روز به جای اشک بر مصائب آن حضرت خون گریه می کند و منتظر روزی است که به اذن خدا انتقام خون شهدای کربلا را بگیرد . ائمه معصومین علیهم السلام در عمل و گفتار به ما آموخته اند که :

شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا^{۱۰۶} .

و نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همّه لنا عباده^{۱۰۷} .

و در ثواب گریه بر مصائب آن حضرت فرموده اند : من ذکرنا او ذکرنا عنده فخرجت من عینه مثل جناح الذبابة غفرالله له ذنوبه و لو کانت اکثر من زبد البحر^{۱۰۸} .

ائمه معصومین علیهم السلام به ما آموختند که روز عاشورا روز عزای اهل بیت است .

از امام علیه السلام سؤال کردند چرا روز وفات پیامبر صلی الله علیه و آله یا شهادت حضرت زهرا علیها السلام یا حضرت

علی علیه السلام یا امام حسن علیه السلام روز مصیبت اهل بیت نباشد ؟

فرمودند : وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند ، شیعیان به وجود چهارتن از اصحاب خمسه دلگرم بودند ، و نیز پس از شهادت حضرت زهرا و حضرت علی و امام حسن علیهم السلام ، و لکن روز شهادت اباعبدالله علیه السلام روزی است که کانه تمام خمسه طیبه اصحاب کساء به

^{۱۰۶} . شیعیان ما از زیادی گل ما خلق شده اند ، آنان در شادی ما شاد و در غم ما محزون می باشند .

^{۱۰۷} . کسی که به جهت ستمی که به ما شده محزون باشد نفس کشیدن او تسبیح خداوند است و نگرانی او برای ما عبادت است .

^{۱۰۸} . هرکس ذکر مصائب ما (اهل بیت) نماید یا مصائب ما در نزدش بیان گردد و گریه کند هرچند اشکش به اندازه بال مگسی باشد

خداوند گناهایش را می آمرزد اگرچه به اندازه کف های دریا باشد . تذکر : برای شرح و توضیح این حدیث به کتاب سحاب

شهادت رسیدند .

روز عاشورا روزی است که امام حسن علیه السلام درباره آن فرمودند : لایوم کیومک یا اباعبدالله .

و امام رضا علیه السلام فرمودند : إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا ^{۱۰۹} . . .

خلاصه آن که عزاداری شیعیان بر مصائب اباعبدالله به تصریح روایات زیاد ^{۱۱۰} :

الف . تمسک به سیره عملی اهل بیت و جمیع انبیاء و صالحین و ملائکه و مؤمنین است .

ب . امثال اوامر صادره از حضرات معصومین علیهم السلام است .

ج . مایه تسلی دل اهل بیت علیهم السلام علی الخصوص حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام است .

د . موجب کسب ثواب‌های عظیم مورد وعده ائمه معصومین علیهم السلام است که شاید کمتر

عملی از عبادات چنین ثواب‌های عظیمی برای آن قرار داده شده باشد ، بلکه موجب

مشارکت معنوی و روحی با اصحاب حضرت و شهدای کربلا می‌باشد .

هـ . حکمت‌های عظیم و اسراری در اقامه عزاداری نهفته است ، و لذا مورد امر و

تشویق و تأکید معصومین علیهم السلام بوده است .

^{۱۰۹} . همانا روز مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح نموده است .

^{۱۱۰} . نمونه‌هایی از روایات در عنوان اشک جلد اول و دوم جمع آوری گردیده است .

مِنْ جمله این که رمز حفظ و بقاء مذهب تشیع در طول قرن‌ها بوده است ، چنان که اصل قیام عاشورا در آن مقطع تاریخی ، موجب حفظ اسلام از خطر فنا و اضمحلال بود ، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : حسینٌ منی و أنا من حسین ، و قیام آن حضرت باعث بقای دین جدش رسول الله صلی الله علیه و آله بود ، اقامه عزا بر مصائب حضرت اباعبدالله علیه السلام باعث حفظ و بقاء این شریعت است تا روزی که فرزند آن حضرت برای اقامه عدل و داد و انتشار شریعت اسلام در سراسر جهان قیام کند ان شاء الله .

و ذکر فوائد و آثار و برکات اقامه عزا بر اهل بیت در کتاب‌ها گفته شده و هر شیعه‌ای به عیان آن را لمس کرده است .

و اما این نکته که روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام روز وصال به معبود و کسب بالاترین مقام اولیاء است ، منافاتی ندارد با این که مصیبت‌های عظیم بر آن حضرت وارد شده باشد ، و در عین حال که متحمل مصیبت شهادت اهل بیت همچون داغ مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام و مصیبت شهادت یاران با وفا و اسارت خاندان خویش بودند امیدوار و خوشحال و راضی از ملاقات خدا و اجر و پاداشی که خداوند در مقابل تحمّل این مصیبت‌ها به آن حضرت می‌داد ، بودند .

پس رسیدن به آن اجر و پاداش و وعده الهی منافاتی با عظمت مصیبتی که برای حضرت وارد شده ندارد ، و گریه انبیاء و اولیاء و پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان بر ورود آن مصیبت‌هاست ، گرچه همه آنان اطلاع از کسب این مقامات بلند معنوی برای

آن حضرت دارند .

و خلاصه آن که خوشحالی و مسرت به خاطر ثواب ، منافاتی با گریه و غم و اندوه و عزاداری برای مصیبت ندارد ، چنانچه در روایت آمده است :

اگر عزاداران بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام بدانند که در مقابل این عزاداری چه اجر و پاداشی در انتظار آنان است ، مسرور و خوشحال خواهند شد ، و معلوم است که هنگامی مستحق آن اجر و پاداش خواهند بود که در زمره عزاداران محسوب شوند و اوامر معصومین علیهم السلام نسبت به اقامه عزا و حزن و اندوه و گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام را امثال کرده باشند^{۱۱۱} .

کربلا سبب اندوه و مصیبت تا روز قیامت

﴿ جواب از آیت الله صافی گلپایگانی : بسم الله الرحمن الرحيم ، السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين و على الارواح التي حلت بفنائك . قال الرضا علیه السلام : ان يوم الحسين ، أقرح جفوننا ، وأسبل دموعنا . . . أورثتنا الكرب والبلاء الى يوم الانقضاء فعلى مثل الحسين فليبك الباكون ، فان البكاء عليه يحطّ الذنوب العظام^{۱۱۲} .

^{۱۱۱} . استفتاء خصوصی کتبی .

^{۱۱۲} . همانا روز مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح نموده و اشک‌های ما را جاری ساخته است . . . کربلا ما را وارثان اندوه و مصیبت تا روز قیامت گردانده است . پس بر بزرگواری مثل حضرت امام حسین علیه السلام باید گریه کنندگان گریه کنند که گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان بزرگ را محو می‌کند .

روز عاشورا روز اوج ظهور کرامت انسانی ، و بروز نهایت عظمت درجات معنوی است ، و زبان و بیان ما از توصیف مجد و شرف و ایمان و عالی ترین مکارم اخلاق و صبر و استقامت و شجاعت و تسلیم و توکل و عزت و مواضع جلیله ای که در آن روز از حضرت سیدالشهداء علیه السلام ظاهر شد عاجز و ناتوان است .

لم یسمع الأذان صوت مکبر

لولا صوارمهم و وقع نبالهم

سوی المکارم فی أمن من الغیر^{۱۱۳}

قد غیر الطعن منهم کل جارحه

أشهد أنه علیه السلام بذل مهجته فی الله حتی استنقذ عباده من الجهالة و حيرة الضلالة^{۱۱۴} .

همان طور که گفته اید روز افتخار و مباهات بشر بر ملائکه مقربین است . روزی است که هیبت و عظمت آن از کوه های جهان و کهکشان ها و منظومه ها سنگین تر است ، عقول عقلاء را مات و حیران نموده ، و همه دنیا را برابر آن روح بزرگتر و پهناورتر از زمین و آسمان خاضع نموده است . سزاوار است که هر انسان آگاه و بلکه همگان به این روز افتخار نمایند ، و بر خود ببالند .

این از نگاه به عظمت موضع و موقف حضرت سیدالشهداء علیه السلام و آن ایستادگی بی نظیر در آن ایستگاه و حفظ موقعیت در برابر عواملی بود که هر یک می توانست بزرگترین

^{۱۱۳} . اگر شمشیرهای بر آن و تیرافکند نشان نبود دیگر گوش ها صدای اذان مکبر را نمی شنیدند . نیزه ها اعضاء بدن آنان را تغییر داده

است (مجروح کرده است) اما مکارم و فضائل آن شهداء در امن از تغییر است .

^{۱۱۴} . گواهی می دهم امام حسین علیه السلام خون خود را در راه خدا تقدیم نمود تا بندگان را از جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی نجات

تَهْمَتَان^{۱۱۵} جهان را به قبول شکست و تسلیم وا دارد . سراسرافتخار و عظمت است .
 و در عین حال ما از سوی اهل بیت علیهم السلام وظیفه داریم که این طغیان بزرگ کفّار و شقاوت
 بی‌مانند دشمنان خدا و مصائب جانکاه غیر قابل تحملی را که به سیدالشهداء علیه السلام وارد
 کردند ، محکوم کنیم و تنفّر و بیزاری خود را از مرتکبین این واقعه اعلام نماییم ، و
 بیشترین برنامه‌های سوگواری را در روز عاشورا و دیگر مناسبت‌ها اظهار کنیم ، و بر
 سر و سینه بزیم ، نوحه بخوانیم ، الله اکبر ماذا الحادث الجلل^{۱۱۶} بگوییم ، و همان‌طور که
 زینب کبری عقيلة القریش فرمود : لیت السماء أطبقت علی الأرض و لیت الجبال
 تدکدکت علی السهل^{۱۱۷} را تکرار کنیم ، و کاش آن زمان سرادق گردون نگون
 شدی ، را بسراییم ، و هر چه می‌توانیم ، تأسف خود را از آن مصیبات بزرگ که بر اهل
 بیت علیهم السلام وارد شد اظهار کنیم ، هر وقت آب می‌نوشیم بر حسین علیه السلام ، سلام و صلوات
 بفرستیم ، این بر همه هم سنت است و هم بزرگداشت ، روز حسین علیه السلام مکتب است ،
 مدرسه است ، مذهب است ، انسان ساز است ، احیاء دین است ، محکوم کردن ظلم و ستم
 است و حمایت از حق و اسلام است^{۱۱۸} .

ادامه مطلب در اشک جلد ۳

^{۱۱۵} . تهمتن : تنومند ، تناور ، قوی جسته ، نیرومند ، دلیر . فرهنگ عمید

^{۱۱۶} . چیست این حادثه بزرگ .

^{۱۱۷} . ای کاش آسمان بر زمین فرو می‌ریخت و ای کاش کوه‌ها به بیابان‌ها پاشیده می‌شد و متلاشی می‌گردید .

^{۱۱۸} . استفتاء خصوصی کتبی .

فهرست

۱۸	۱	۱	• وداع امام حسین با امام سجاد <small>علیهما السلام</small>
۱۹	۱	۱	• احوال زینب کبری <small>علیها السلام</small>
۲۱	۲	۲	• عبور مصیبت‌زدگان از کنار قتلگاه
۲۲	۲	۲	• آخوند ملا آقای دربندی <small>رحمته</small>
۲۲	۳	۳	• دستمال سیاه
۲۲	۳	۳	• آیت الله گلپایگانی
۲۴	۴	۴	• آیت الله وحید خراسانی
۲۴	۴	۴	• آیت الله فاضل لنکرانی
۲۴	۴	۴	• حزن و اندوه قلبی کافی نیست
۲۵	۵	۵	• بررسی افکار شخصیت‌های منحرف
۲۷	۵	۵	• فصل اول: روزه گرفتن روز عاشورا
۲۷	۷	۷	• انحراف دیگر ابن عربی
۲۸	۸	۸	• متوکل و اهانت به قبر امام حسین <small>علیه السلام</small>
۳۳	۹	۹	• برخی از مزخرفات فصوص
		۱۵	۱۵	• فصل دوم: ارزش تربت حسینی

منابع: در انتهای جلد چهارم معرفی می‌گردد.

پیام دین

مدیر مسئول : علی صادقی موحد

صاحب امتیاز : احمد سعید کریمی

طرح جلد : علی اصغر حقانی

موضوع : اشک جلد دو

تاریخ تألیف : تیرماه ۱۳۸۵

تاریخ بازبینی : خرداد ۱۳۹۹